WWW.INN.IR

ایران ورزشی

۲۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و چهارم ■ شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۰ ■ Apr 17 - 2021 ■ ۴ رمضان ۱۴۴۲ ■ شماره ۶۷۳۷

گکاموف: داور بد بود، ماه رمضان تأثیر داشت

مجیدی: ۵ گل زدیم اما اتفاق خاصی رخ نداده

مددی: از خوشحالی هواداران اشک شوق ریختم

قایدی، نادری و اسماعیلی در میان ۵ بازیکن برتر

مصدومیت شجاعی پایان ندارد

آمار ضعیف غلامی مقابل الاهلی

صفحه ۶

عکس: رضا سعیدی‌پور

تنور گلزنی استقلال داغ شد

کارستان

الریان – پرسپولیس؛ ۲۱:۳۰

برخورد سرنوشت‌ساز با شجاع

دیگر بازی همین گروه:

الوحده امارات – گوا هند؛ ۱۹:۰۰

صلاح حسن: الریان نزدیکترین رقیب است اما پرسپولیس قطعاً صعود می‌کند

صفحه ۷

شکایت رسمی فدراسیون فوتبال هند از پرسپولیس

کارگزار باید جریمه ۱۰ هزار دلاری را بپردازد

صفحه ۷

تیم ملی کشتی آزاد به دنبال فتح آسیا

رونمایی از حسن یزدانی در ۱۴۰۰

صفحه ۴

تراکتور – شارجه امارات؛ ۲۲:۳۰

نوستالژی

دیگر بازی همین گروه:

نیروی هوایی عراق – پاختاکور؛ ۱۹:۳۰

صفحه ۳

فولاد – الوحدات اردن؛ ۲۲:۳۰

زمان پیروزی

دیگر بازی همین گروه:

النصر عربستان – السد؛ ۲۲:۳۰

صفحه ۳

اتلتیک بیلبائو – بارسلونا، ساعت ۰۰:۰۰

مرهمی برای زخم‌ها

چلسی – منچسترسیتی، ساعت ۲۱:۰۰

پایان یک رویا

نادر دست نشان درگذشت

استقلال مثل مربی‌اش بود، تیغ دار و شاداب

فرهاد مجیدی مثل یک مربی، بیشتر از یک ستاره

سرمقاله

فرشاد کاس‌نژاد ■ @Farshadcasnejad

فرهاد مجیدی فقط توسط هوادارانی که او را شاه و ماه خطاب می‌کنند تمجید می‌شود، اما واقعیت این است که بازی تیم او مقابل الاهلی بیشتر از آن زاویه‌ای که یک مربی محبوب در اینستاگرام مورد تمجید قرار می‌گیرد، تحسین‌برانگیز است. او از یک مربی - ستاره گذر کرده، و مربی است. این می‌تواند دوران تازه‌ای برای مربیگری فرهاد باشد.

پیروزی ۵ - ۲ مقابل الاهلی عربستان و آن هیاهویی که در هر حمله استقلال ساخته می‌شد، تصویری از شوق به بازی بود که با حضور فرهاد مجیدی به استقلال برگشت.

استقلال در فصل گذشته لیگ قهرمانان آسیا فرصت بزرگی را از دست داد. فراموش نکنیم که اختلافات مدیرعامل وقت استقلال با فرهاد مجیدی و طرح دغل‌کارانه بازگشت آندره آ استراماچونی چه بر سر استقلال آورد. فرهاد مجیدی از استقلال رفت و نه تنها استقلال با مربیگری موقت مجید نامجو مطلق بی‌شباهت به خودش شد، بلکه پس از او نیز استقلال نیم‌فصل را با محمود فکری تلف کرد.

استقلال اما در مسیر تازه‌اش با زوج مجیدی - کمالوند، نشان داد که یک تیم با انتخاب غلط کادر فنی چه مسیری را بیهوده می‌رود و چه فرصت‌هایی را می‌سوزاند. وقتی استقلال امروز را می‌بینیم، باید یادی کنیم از استقلال محمود فکری که انگار هر هفته برای کشتن تمام توانایی‌های خود بازی می‌کرد و تک تک بازیکنانش را گرفتار روش‌های فنی مسموم در مربیگری کرده بود. وقتی درباره دوره مربیگری فرهاد مجیدی حرف می‌زنیم، خبری از تحولی بزرگ یا نمایش‌هایی فوق‌العاده نیست، بلکه در لحظه لحظه بازی استقلال ردپای مثبت مربیان را می‌بینیم و تصمیماتی که نشان می‌دهد برای تبحر و درخشیدن بازیکنان گرفته شده است. در تیم فکری اما انگار هیچ کس از درخشیدن بازیکنان خوشحال نبود.

در بازی با الاهلی محمد نادری را دیدیم با نمایشی درخشان، با بازی کلاسیک و درست. همپای او یا شاید درخشان‌تر مهدی قایدی بود، و بسیاری از بازیکنان دیگر در خدمت درخشیدن دیگری. اما باید انگشت اشاره را به سمت وریا غفوری گرفت که شباهتی به وریا غفوری ندارد و استقلال باید درباره او تصمیم تازه‌ای بگیرد. مجیدی و کمالوند یا وریا را به روزهای خوبش برمی‌گردانند یا نباید در بازی دادن به او دچار تعارف به بهانه بازوبند کاپیتانی‌اش باشند. فارغ از وریا، خط دفاع استقلال نیز نمایشی مسلط نداشت و این مسأله تازه‌ای در استقلال نیست. استقلال از دوره مربیگری استراماچونی تا امروز هرگز نتوانست به خط دفاعی ثابت و مطمئن برسد. کوشش استراماچونی، مجیدی، فکری و دوباره مجیدی برای ساختن خط دفاع هنوز ثمره‌ای نداشته که استقلال بتواند به آن متکی باشد. این نکته را هم در نظر داشته باشیم که رشید مظاهری پشت سر این خط دفاع است و بدون او معلوم نبود چه رخ دهد.

استقلال در لیگ قهرمانان آسیا نباید این ولع و اشتیاقش را از دست بدهد. برای پیش رفتن به سمت قهرمانی حفظ این اشتیاق چه بسا از هر نکته‌ای مهم‌تر باشد. استقلال مقابل الاهلی در هر حمله تیغ‌دار و برنده بود، یادآور دوران فوتبال سرمربی‌اش، همان قد رتیغ‌دار و گلزن و شاداب.

تمرکز کادر فنی استقلال باید روی ترمیم ساختار دفاعی باشد

دو، مهمتر از پنج

یادداشت یک

آرمن ساروخانیان ■

در جمع بیست تیمی که وارد مرحله گروهی لیگ قهرمانان در غرب آسیا شده‌اند، استقلال بهترین نتیجه را گرفت. اهمیت برد با اختلاف سه گل استقلال از آنجا بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم حتی تیم‌های تازه وارد به این مسابقات هم زنگ تفریح نیستند و گوای هند (مقابل الریان قطر)، استقلال تاجیکستان (مقابل شباب الاهلی امارات)، AGMK ازبکستان (مقابل الهلال عربستان) و الوحدات اردن (مقابل النصر عربستان) توانستند یک امتیاز بگیرند.

استقلال در فاز تهاجمی مقابل میزبان فوق‌العاده بود و توانست پنج گل بزند. البته نقش بحران الاهلی که با شش شکست وارد مسابقات شده در این نتیجه کم نبود و خط دفاع آشفته این تیم به راحتی بازی می‌شد، ولی استقلال هم نشان داد که با قایدی مهارنشدنی، مطهری جنگنده، اسماعیلی که پس از مدت‌ها دوباره آماده شده و دیاباته که همیشه کیفیتش را دارد، می‌تواند دروازه هر تیمی در آسیا را باز کند.

آنچه بعد از بازی با الاهلی باید ذهن کادر فنی را مشغول کند، دو گلی است که این تیم دریافت کرد و اگر مظاهری نبود این عدد می‌توانست بالاتر برود. در واقع فاصله واقعی دو تیم سه گل نبود و امید گل دو تیم (۲.۸۴ در برابر ۲.۰۷) هم این را نشان می‌دهد. چهار مهره تهاجمی میزبان بازیکنان خطرناکی بودند، ولی مهره‌های دفاعی استقلال هم نمایش مطمئنی نداشتند. مجیدی در بلوک دفاعی تیمش دو تغییر داشت و غلامی و مهری جانشین مرادمند و رضاوند شدند. این تغییرات از آن جهت عجیب بود که غلامی در شروع فصل نمایش متزلزلی داشت و به همین خاطر از ترکیب خارج شده بود، ولی ناگهان در این بازی حساس به ترکیب برگشت. انتخاب مهری از اولی هم عجیب‌تر بود، چرا که او پیش از این یک دقیقه هم کنار بقیه بازیکنان بازی نکرده بود و این ناهماهنگی در عملکرد او آشکار بود. حضور مهری برای تقویت فاز دفاعی چندان مؤثر نبود و استقلال در نیمه اول برتری زودهنگامش را به راحتی از دست داد. در شروع نیمه دوم رضاوند جای او را گرفت که ریتم حملات استقلال بهتر شد، ولی مشکلات دفاعی پابرجا بود.

ضعف مهم استقلال زمانی بود که از حریف پیش می‌افتاد و برنامه مناسبی برای کنترل بازی نداشت. فاصله خطوط گاهی زیاد می‌شد و در یک سوم دفاعی فضاهای مهم زیادی به حریف می‌دادند. استقلال بعد از زدن گل سوم، گل خیلی ساده‌ای دریافت کرد و در زمان کوتاه باقی مانده پس از گل پنجم هم چند توپ خطرناک به محوطه جریمه‌اش رسید. الاهلی آشفته‌تر از آن بود که حریف استقلال شود، ولی در بازی‌های سخت‌تر همین مرحله تیم مجیدی باید برنامه بهتری برای محافظت از گل‌های زده‌اش داشته باشد. استقلال همانقدر که راحت گل می‌زند به حریف هم موقعیت می‌دهد و کادر فنی باید بتواند این ایراد را برطرف کند.

بخشی از این مشکل هم به نقشه بازی تیم برمی‌گردد. بازیکنان باید بدانند که بعد از گل زدن و پیش افتادن از حریف به فکر کنترل بازی باشند یا برای زدن گل‌های بعدی با نفرات زیاد حمله کنند. این دستور باید از طرف نیمکت صادر شود و مجیدی باید استراتژی تیم را به دقت تعیین کند. از طرف دیگر استقلال در فاز دفاعی نیاز به یک لیدر دارد که با نخ‌های نامرئی بازیکنان اطرافش را بکشد و فرم دفاعی تیم را شکل بدهد. این وظیفه به عهده یزدانی یا غلامی است، ولی این آرامش و اطمینان را نزد هیچکدام از آنها ندیدیم.

الشرطه حریف سخت‌تری از الاهلی عربستان است و مثل تمام حریفان عراقی که در سال‌های گذشته داشته‌ایم، تبحر بالایی در تخریب بازی و مختل کردن روند بازیسازی حریفش دارد. با این حال استقلال توان باز کردن دروازه این تیم را دارد، ولی سه امتیاز زمانی قطعی خواهد شد که این تیم بتواند کیفیت دفاعی‌اش را ارتقا دهد.

طارمی افسوس و دیگر هیچ!

سوژه

رضا شجیع ■

در حالی که فدراسیون تازه نفس فوتبال، مشغول انتصابات عجیب و غریب و شرکت در جلسات نمایشی است؛ این مهدی طارمی است که با نمایش‌ها و گل‌های خیره کننده‌اش، به معجزه گری تبدیل شده که یک تنه برای حریفانمان در مقدماتی جام جهانی خط و نشان می‌کشد. خط و نشانی که علی دایی ۲۲ سال پیش با باز کردن دروازه اردی گوی هلندی در استمفوردبریج کشیده بود و امروز طارمی آن را تکرار کرد؛ تکراری که یادآور این گزاره است: «نبوغ و جادوی فوتبال ایرانی هنوز زنده است».

نمی‌خواهم این متن و این لحظه را با خودپسندی تاریخی‌مان عجین کنم و از این گل، پتکی بسازم برای کوبیدن بر سر همه چیز و همه کس، نه، ولی این گل و این لحظه، برایم یادآور لحظه‌ای است که «لکان» از آن به عنوان ژوئیسانس یاد می‌کند. آمیختگی رنج و لذت با هم؛ و برای من فوران شادمانی و افسوس در یک لحظه. شبیه کسی که در یک لحظه، از شادمانی می‌خندد و از رنج اشک می‌ریزد؛ وضعیت پارادوکسیکال (متناقضی) که تقریباً همه ما دچارش هستیم. افسوس از اینکه طارمی و طارمی‌های وطنم چقدر دیر به قله‌ها می‌رسند، افسوس از اینکه استعدادها و نخبگان بی‌نظیر این سرزمین در پیچ و خم ناملایمات و سوءمدیریت‌ها ناکام می‌شوند و در نهایت باید خود را با سقف کوتاهی که برایشان ساخته شده سازگار کنند. اینجا بهترین‌ها تکثیر نمی‌شوند، بهترین‌ها از روی اجبار با متوسط‌ها سازگار می‌شوند و نتیجه‌اش می‌شود این جمله تلخ دوست عزیزم در مدیریت فضای سبز شهرداری؛ «اینجا کوتاه‌ها را بلند نمی‌کنند، بلندها را کوتاه می‌کنند». طارمی، نماد هزاران استعداد و نخبه این سرزمین است که به محض ورود به یک فضای بازوحرفه‌ای (البته باتأخیر) شکوفا شده و استعدادها و مهارت‌های بالقوه‌اش متجلی می‌شود. تصور کنید اگر طارمی و طارمی‌های دیگر در همان دوره نوجوانی، در یک بستر حرفه‌ای آموزش دیده و پرورش یافته بودند چه می‌شد! و امروز چند طارمی در لیگ قهرمانان اروپا در حال درخشیدن بودند! باید بپذیریم که ما هنوز حتی به اندازه ادعاهایمان هم رشد نکرده و توسعه نیافته‌ایم. ما حرفه‌ای نیستیم، آماتوریم و برنامه‌ای هم برای خروج از این وضعیت نداریم. بارزترین نشانه این موضوع ادامه بی‌توجهی مطلق به فوتبال پایه و همزمان؛ خارج نمودن نخبگان فوتبالی از دایره انتصابات در بالاترین سطح تیم‌های ملی، آن هم در این شرایط فوق‌العاده حساس است. بیاییم حداقل ادعای حرفه‌ای بودن هم نداشته باشیم. این ساده‌ترین کاری است که می‌شود انجام داد.

نادر دست نشان درگذشت

گزارش

رسول مجیدی ■ @Rasoulmajidi

ویروس کرونا روز گذشته جان بیش از ۳۰۰ نفر از ایرانی‌ها را گرفت. جان‌های عزیزی که خانواده‌های بسیاری را داغدار کرد و یکی از آنها برای اهالی فوتبال حسابی آشنا بود؛ نادر دست‌نشان. سرمربی سابق تیم‌های نساجی مازندران، مس کرمان، صنعت نفت آبادان و بسیاری از تیم‌های دیگر ایران. مردی از خطه شمال و زاده شهر قائمشهر. مردی که تمام دوران بازی‌اش را در تیم نساجی قائمشهر گذراند. ۳۶۱ بازی کرد و ۱۶۲ گل به ثمر رساند. او زننده بیشترین گل‌های متوالی در لیگ برتر فوتبال ایران است؛ ۸ بازی و ۹ گل. مرحوم دست نشان که فوتبال را در پست دروازه‌بانی آغاز کرد، بعدها به پست هافبک آمد و حسابی خوش درخشید. در مازندران نقل است که دلیل تغییر پست او این بود که پدر دست‌نشان برای کمتر پاره شدن لباس‌هایش از او خواسته تا درون دروازه نایستد. دست نشان که کاپیتان تیم منتخب مازندران هم بود، به همراه این تیم حضور موفقی در لیگ قدس سال ۱۳۶۴ داشت. لیگی که شاید بهترین نتیجه یک تیم شمالی در آن رقم خورد. آنها بعد از دو نماینده تهران سوم شدند. نتیجه این ایستادن بر جایگاه سومی، حضور در جام قائد اعظم پاکستان به عنوان نماینده ایران بود. منتخب شمال در آن مسابقات قهرمان شد و نادر قصه ما آقای گل شد.

در سال ۷۵ وقتی ۳ سال از خداحافظی از او زمین چمن می‌گذشت، دست نشان سرمربی نساجی شد. ۷ سالی در آنجا بود و بعد سفرهایش در سرتاسر ایران شروع شد. یک سالی به مشهد رفت و سرمربی پیام شد. بعد شهید قندی یزد را هدایت کرد. در کرمان به مس رفت و در بندرعباس به شهرداری. بعد برگشت به شمال و پگاه گیلان را هدایت کرد. استیل آذین و نفت تیم‌های پایتخت نشینی بودند که دست نشان با آنها همکاری کرد.

اینها البته فقط بخشی از فعالیت‌های او بوده‌اند. ابومسلم مشهد، صنعت ساری، شهرداری اراک، سایپا شمال، نساجی مازندران، ماشین‌سازی تبریز، صنعت نفت آبادان، خونه به خونه بابل، ملوان بندرانزلی؛ مس کرمان و سپیدرود رشت سایر تیم‌هایی بودند که او تا همین تابستان گذشته هدایت آنها را برعهده داشت. تابستان گذشته دست نشان که به تازگی برادرش را به دلیل ابتلا به کرونا از دست داده بود، سرمربی شهدای بابلسر شد تا پس از سال‌ها فعالیت در لیگ یک و لیگ برتر، چند ماهی هم در لیگ دو فعالیت کرده باشد.

دو ماه بعد اما با درخواست باشگاه رایکا بابل، دست نشان از بابلسر به بابل رفت. قرار بود او کمک کند تا رایکا لیگ برتری شود.

دست نشان یکی از سلاطین لیگ یک بود. ۴ بار موفق شده بود تیم‌های سطح پایین‌تر را به لیگ برتر بیاورد: مس کرمان، استیل آذین، نفت تهران و صنعت نفت آبادان.

حالا اما چیزی بعد از حدود یک سال از درگذشت برادر دست نشان، این خانواده دوباره عزادار شده. کرونا هر دو پسر خانواده را به دیار باقی فرستاده. اتفاقی بس تلخ و غم انگیز که این روزها بسیاری از ایرانی‌ها با آن رو به رو شده‌اند. کاش تمام شود این روزگار تلخ‌تر از زهر.